

یا یکی از اقوامشان را بجای خودشان بفرستند .

بنده چون دیدم ممکن است هیچیک از اینها برایش وسائلش فراهم نباشد از این جهت پیشنهاد کردم که اگر شخص خارجی را هم بجای خودش میخواهد معین کند بتواند

مخبر - بنده قبول می کنم .

رئیس - رأی گرفته می شود بماده بیست و یک باین اصلاحی که آقای بیست نمودند و آقای مخبر هم قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده بیست و دو .

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۲ - برای اجرای عمل قرعه در مرکز هر حوزه سر باز گیری مجلسی مرکب از اعضاء مفصله ذیل تشکیل می شود

۱- حاکم و رؤسای مالیه و بلدییه و نظمییه و امنیه و مدعی العموم محل در صورت نبودن رؤسای ورمحل

۲- پنج نفر صاحب منصب ویک یادو نفر طبیب نظامی بانتخاب فرمانده ناحیه سر باز گیری

۳- پنج نفر از معاریف و معتمدین اهل محل که یکی از آنها از طبقه علماء خواهد بود به تعیین حاکم محل

تیمبره - در صورتیکه انجمن ایالتی یا ولایتی در محل باشد دو نفر از پنج نفر مزبور از اعضاء انجمن بانتخاب خود انجمن خواهد بود .

وزیر فوآئد عامه - در این قسمت اشتباهی شده است در فقره یک نوشته شده :

(حاکم و رؤسای مالیه و بلدییه و نظمییه و امنیه و مدعی العموم محل در صورت نبودن در صورت بودن رؤسای مزبوره در محل است .

یعنی اگر باشند در مجلس قرعه دعوت می شوند .

رئیس - آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)

آقا شیخ فرج الله - بنده در شق سوم این ماده مخالفم می نویسد :

پنج نفر از معارف و معتمدین اهل محل که یکی از آنها از طبقه علماء خواهد بود بتعیین حاکم محل یا رئیس آن کمیسیون حاکم است آنوقت این پنج نفر را هم واگذار میکنند به تعیین حاکم محل برای اینکه عبارت این طور می فهماند پس معلوم می شود طبقات دیگر هیچ حق ندارند پنج نفر صاحب منصب که خارج از مردم هستند . . .

(خنده نمایندگان)

آقا شیخ فرج الله - خارج ارافراد ایستاده است . . .

(خنده نمایندگان)

آقا شیخ فرج الله - سهوشد سهوشد عبارتی که خنده ندارد .

بنده معتمد این پنج نفر از معتمدین را که حاکم معین میکند انتخابش را واگذار بخود اشخاص کنند . از طبقه علماء بانتخاب خودشان از طبقات دیگر هم بانتخاب خودشان باشد . باین معنی که حاکم انتخاب کننده نباشد و طبقات مردم انتخاب کنند

وزیر فوآئد عامه - عرض میکنم اولاً باید به بنیم قصد از طبقات مختلفه چیست؟ این است که آنها شاهد و ناظر باشند که بعدها نگویند ظلم و تعدی شده بملاوه خود آقا که عضوانجمن نظار بوده اند باید این مطلب را در نظر داشته باشند که در موقع انتخابات یعنی در یک امری که صراحتاً امر ملی است اجازه میدهند که حاکم انتخاب کند .

بنابراین در مجلس سر باز گیری که فقط از نقطه نظر نظارت است لاغیر این نمی شود گفت برای انتخاب پنج نفر از طبقات مختلفه مردم بیایند انتخاب کنند یعنی اول انجمن نظارت تشکیل بدهند بعد آراء را استخراج کنند آنهم برای مجلس که یک ماموت دارد و همینطور هزار گونه مشکلات دیگر دارد .

درست آن مشکلاتی را که پیدا می شود در نظر بگیرند بهمان دلیل و منطقی که بلید حاکم باید انجمن نظار را انتخاب بکند در اینجا هم بطریق اولی حق دارد انتخاب بکند

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی (بترتیب ذیل خوانده شد) فقره دوم از ماده ۲۲ اینطور اصلاح شود .

۲- دو تا پنج نفر صاحب منصب نظامی باختلاف اهمیت محل (الخ)

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - چون حوزه های مر باز گیری قهراً کوچک و بزرگ است و یک قسمت مملکت که آبادیش کم است و در گوشه و کنار یک محل هائی است و آنها هم باید افرادش شرکت کنند در دادن سر باز . اگر بخواهند یک همچو مجلس مفصلی در آنجا تا تشکیل بدهند که رؤسای ادارات باشند و پنج نفر صاحب منصب هم باشد بعقیده بنده عملی نیست و مشکل است مخصوصاً پنج نفر صاحب منصب از اصفهان بفرستد بده رود . یا از شهر یزد به شهر بابلک . یا از سمنان بجنندق . یا مثلاً برای ده تا بیست تا سر باز که می خواهند بگیرند و قرعه بکشند آنوقت از سمنان شصت فرسخ هفتاد فرسخ این عده را بفرستند به جنندق و مجلس قرعه را در آنجا تشکیل بدهند این عملی نیست

بملاوه برخلاف فلسفه ایست که در اینجا ذکر شده برای اینکه میگویند معاریف

و معتمدین محل باید حاضر باشند آنها معاریف و معتمدین مجلسان کسان دیگر هستند و شاید هیچ به آنها اطمینان و اعتماد نداشته باشند

لهذا بنده پیشنهاد کردم که مجلس قرعه در حوزه های کوچک بفرخور و اهمیت آن محل تشکیل شود و از دو نفر تا سه نفر باختلاف اهمیت محل بفرستند .

زیرا ممکن است دو نفر صاحب منصب را مأمور کرد برون مجلس تشکیل بدهند ولی ه نفر صاحب منصب بفرستند برای گرفتن ده نفر سر باز این خوب نیست

وزیر فوآئد عامه - اولاً حوزه های سر باز گیری قطعاً باید معین بشود و مطابق تقسیمات وزارت جنگ حوزه بندی ها معلوم می شود و بملاوه در هر محلی که رؤسای ادارات باشند مثل رئیس بلدییه و نظمییه و مدعی العموم تعیین آن محل لافل یک گروهان یک گردان عده هست و صاحب منصب هم از پنج نفر زیاد تر است .

بنابراین گذاشتن این قسمت در قانون خوبست و بهتر این است که پیشنهاد خودتان را مسترد فرمایید

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای یاسائی آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . رأی می گیریم بماده ۲۲ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . چون ظهر است اگر اجازه می فرمایید جلسه را ختم کنیم .

جمعی از نمایندگان - صبح است .

رئیس - بقیه مذاکره میماند برای روز سه شنبه

جمعی از نمایندگان - صبح است .

مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس - تصویب شد . ماده بیست و چهارم .

منشی - م شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه ۱۷۸ یکصد و هفتاد و هشتم صورت مشروح مجلس یوم شنبه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ مطابق چهاردهم ذی القعدة سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا سید حسینخان

پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس پنجشنبه چهاردهم خرداد را آقای آقا میرزا شهاب

قرائت نمودند)

منشی - م شهاب

رئیس - مشارکت را تبدیل بشرکت میکنیم . غیر از این دیگر ایرادی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس - آقای دولت آبادی . (اجازه)

دولت آبادی - بعد از صورت مجلس عرض دارم

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای حائرزاده (اجازه)

حائرزاده - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - آقای بهار . (اجازه)

بهار - قبل از دستور عرض دارم .

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟

(بعضی گفتند خیر)

بعضی از نمایندگان - داخل دستور شویم

رئیس - دستور قانون نظام اجباریست ماده بیست و سوم مطرح است .

(ماده ۲۳ بشرح قبل قرائت شد)

بیست و سوم - ریاست مجلس سر باز گیری بمعهده حاکم محل و نظارت آن با نماینده ارشد نظام و مسئولیت مشترک متوجه کلبه اعضاء آن خواهد بود .

رئیس - مخالفی دارد؟

آقا سید یعقوب - بنده خواستم یک

سوالی از آقای وزیر فوآئد عامه بکنم

رئیس - فرمایید آقا سید یعقوب .

اینجا نوشته است ریاست مجلس سر باز گیری بمعهده حاکم محل و نظارت آن با صاحب منصب ارشد قشونی محل . چون در قوانین سابق مانا نظر نداشتیم فقط معاونت داشتیم ریاست داشتیم . اما ناظر تا بحال در قوانین نبود . خواستم به بنیم این تغییر که در اینجا شده از چه جهت است

وزیر فوآئد عامه - البته مقصود این است که چون این کار کار نظامی است صاحب منصب ارشدیکه آنجا هست نظارت دارد و الامت رسمی نیست .

رئیس - رأی میگیریم بماده بیست و سوم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده بیست و چهارم .

(بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده بیست و چهارم - در روزیکه برای سر باز گیری معین شده مجلس مزبور در محل معین شده رسماً افتتاح خواهد شد و مجلس مزبور علنی بوده مردم می توانند بعنوان تماشاچی حضور بهم رسانند بدون اینکه حق مشارکت در مذاات مجلس را داشته باشند .

یک نفر از نمایندگان - شرکت باید باشد نه مشارکت

رئیس - مشارکت را تبدیل بشرکت میکنیم . غیر از این دیگر ایرادی نیست؟

(گفتند خیر)

رئیس رأی گرفته می شود بماده بیست و چهارم آقایان موافقین با این ماده قیام بفرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) رئیس- تصویب شده ماده بیست و پنجم (قسمت اول - ماده بترتیب قبل خوانده شده)

ماده بیست و پنجم- وظائف مجلس سرباز گیری از قرار ذیل است. ۱- امر دولت را در احضار افراد بخدمت نظامی وعده سربازیکه در آن عهده باید گرفته شود ومواردی که مطابق این قانون از خدمت نظامی دائماً یا موقتاً معاف میباشدند برای حاضرین قرائت میشود. . . وزیر فوائد عامه - اینجا حرف (دا) زیاد است - امردولت قرائت میشود. (بقیماده ۲۰ شرح آتی قرائت شد)

۲- اسامی اشخاصی که در آنسال برای خدمت نظامی دعوت شدند مطابق دفاتر مستخرجه ازسالی وزارت جنگ و دفاتر نفوس معلی يك يك بصداى بلند خواننده و حاضر و غائب معین شده و اشخاص حاضر معاینه گردیده آن هائیکه قابلیت سربازی ندارند خارج وسند معافیت آنها داده می شود. رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس- رأی می گیریم بماده بیست و هشتم. موافقین . باین ماده قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شده ماده بیست و هشتم. (باین نهج خوانده شد) ماده بیست وهشتم- اشخاصیکه بزاده از دوسال حبس جزائی محکوم شده یا از حقوق مدنی موقتاً محروم گردیده و قرعه بسامه شان اصابت نماید در مدت خدمت تحت اسلح از شرافت حمل اسلحه محروم و بخدمات عمله گمی نظام گماشته میشوند. رئیس- آقای طهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى- بنده در اینجا عقیده ام این است نوشته شود: مگر آن شخص اعاده اعتبار خودش را کرده باشد . چون قانوناً اگر کسی محکوم شد بحبس جزائی می تواند پس از تمام شدن حبس خود از محکمه صالحه تقاضای اعاده شرافت خودش را بکند و محکمه صالحه هم از محکمه جناحه یا جنایت حکم اعاده اعتبار باو خواهد داد. ۶- پس از موضوع کردن معافین از خدمت نظامی از مجموع عده بقیه افراد قابل قرعه ببلقعات سه گانه مذکور در ماده ۸ تقسیم می شوند و پس از آن عده لازم از میان آن ها قرعه تعیین می شود.

رئیس- کسی ایرادی دارد؟ بعضی از نمایندگان اخیر رئیس- رأی گرفته میشود بماده بیست و پنجم آقایان موافقین قیام فرمایند. (غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس- تصویب شده ماده بیست وششم (باینطور قرائت شد)

ماده بیست و ششم- قرعه باید علنی و در حضور حاضرین در مجلس سرباز گیری کشیده شده وباسم هر کس اصابت نماید باواز بلند اعلام شده و در مقابل اسم آن شخص دردقترب ثبت وبامضاء رئیس دفاتر ومنشی مجلس سرباز گیری برسد . رئیس- اشکالی ندارد؟ (بعضی گفتند خیر)

رئیس- اشکالی ندارد؟ رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه تصویبش می کنند قیام فرمایند. (اکثر برخاستند) تصویب شده (ماده بیست وهفتم بشرح قرائت شد)

ماده بیست وهفتم - بسکائیکه قرعه بنام آنها اصابت ننماید سند عدم اصابت قرعه بامضاء رئیس و ناظر و منشی مجلس سرباز گیری در روی ورقه مخصوص چاپی داده خواهد شد و در دفتر نیز در مقابل اسامی آنان عده اصابت قرعه درج می شود. رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس- رأی می گیریم بماده بیست و هشتم. موافقین . باین ماده قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شده ماده بیست و هشتم. (باین نهج خوانده شد)

ماده بیست وهشتم- اشخاصیکه بزاده از دوسال حبس جزائی محکوم شده یا از حقوق مدنی موقتاً محروم گردیده و قرعه بسامه شان اصابت نماید در مدت خدمت تحت اسلح از شرافت حمل اسلحه محروم و بخدمات عمله گمی نظام گماشته میشوند. رئیس- آقای طهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى- بنده در اینجا عقیده ام این است نوشته شود: مگر آن شخص اعاده اعتبار خودش را کرده باشد . چون قانوناً اگر کسی محکوم شد بحبس جزائی می تواند پس از تمام شدن حبس خود از محکمه صالحه تقاضای اعاده شرافت خودش را بکند و محکمه صالحه هم از محکمه جناحه یا جنایت حکم اعاده اعتبار باو خواهد داد. ۶- پس از موضوع کردن معافین از خدمت نظامی از مجموع عده بقیه افراد قابل قرعه ببلقعات سه گانه مذکور در ماده ۸ تقسیم می شوند و پس از آن عده لازم از میان آن ها قرعه تعیین می شود.

رئیس- کسی ایرادی دارد؟ بعضی از نمایندگان اخیر رئیس- رأی گرفته میشود بماده بیست و پنجم آقایان موافقین قیام فرمایند. (غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس- تصویب شده ماده بیست وششم (باینطور قرائت شد)

قضیه ایست که در جامعه نظام او رایاک نمی کند. بملاوه هین ماده جلو گیری میکنند از يك عده كه این قبیل حرکات را نكنند. خود این باعث جلو گیری است كه يك اشخاصی مستحق محكومیت نشوند. رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- بنده خواستم عرض کنم کسانی که محکوم بحبس جزائی شده اند یا از حقوق مدنی محروم شده اند این دوتا در یک مرتبه نیستند . کسیکه از حقوق مدنی محروم شد مرتبه اش خیلی پست است برای اینکه حقوق مدنی يك حقوق با شرافتی است و يك کسی كه محكوم بحبس جزائی شد میرود بحبس ولی کسیکه از حقوق مدنی محروم شد از مقام شرافت و ملیت می افتد این است که بنده با اینکه این را مساوی آن قرار بدهم مخالفم.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر) رئیس- رأی می گیریم بماده بیست و هشتم. موافقین . باین ماده قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام نمودند) رئیس - تصویب شده ماده بیست و هشتم. (باین نهج خوانده شد)

ماده بیست وهشتم- اشخاصیکه بزاده از دوسال حبس جزائی محکوم شده یا از حقوق مدنی موقتاً محروم گردیده و قرعه بسامه شان اصابت نماید در مدت خدمت تحت اسلح از شرافت حمل اسلحه محروم و بخدمات عمله گمی نظام گماشته میشوند. رئیس- آقای طهرانى (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانى- بنده در اینجا عقیده ام این است نوشته شود: مگر آن شخص اعاده اعتبار خودش را کرده باشد . چون قانوناً اگر کسی محکوم شد بحبس جزائی می تواند پس از تمام شدن حبس خود از محکمه صالحه تقاضای اعاده شرافت خودش را بکند و محکمه صالحه هم از محکمه جناحه یا جنایت حکم اعاده اعتبار باو خواهد داد. ۶- پس از موضوع کردن معافین از خدمت نظامی از مجموع عده بقیه افراد قابل قرعه ببلقعات سه گانه مذکور در ماده ۸ تقسیم می شوند و پس از آن عده لازم از میان آن ها قرعه تعیین می شود.

رئیس- کسی ایرادی دارد؟ بعضی از نمایندگان اخیر رئیس- رأی گرفته میشود بماده بیست و پنجم آقایان موافقین قیام فرمایند. (غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس- تصویب شده ماده بیست وششم (باینطور قرائت شد)

رئیس- تصویب شده ماده بیست وششم (باینطور قرائت شد)

رئیس - تصویب شده ماده سی و دوم (باین نحو قرائت شد) ماده سی و سی و سیم- هر يك از افراد ذخیره كدر مواقع احتضار برای مشق نظامی بدون هدر موجه حاضر نشود پس از ثبوت تقصیر آنها در محکمه نظامی از یکماه تا سه ماه محكوم بحبس میشوند. رئیس- کسی مخالف نیست سر کشیکزاده- بنده تصور میکنم (حاضر نشود صحیح است نه نشوند) رئیس- آقای مخرجه میفرمایند مخرجه- (نشود) صحیح است رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

یاسانی- بنده عقیده دارم (نشود) درست تر است همانطور که در راپورت ذکر شده در سیاق فارسی نشود صحیح است . رئیس- رأی می گیریم بماده سی و سوم ترتیبی که در راپورت نوشته شده . کسانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس- تصویب شده ماده سی و چهارم (بشرح آتی قرائت شد) ماده سی و چهارم- کسانی که در عملیات اشخاص مذکور در مواد ۳۲ و ۳۳ و ۴۴ شرکت یا امداد نمایند از یکماه تا سه ماه محكوم بحبس (قابل ابتیاع) می شوند چنانچه امداد کنندگان در عملیات مزبوره از مأمورین دولتی باشند علاوه بر مجازات مزبوره از خدمت دولتی نیز از ۶ ماه تا ۲ سال منتهل می شوند. رئیس - آقای داور (اجازه)

داور- بنده در یک موضوعی که هر وقت در مجلس شورای ملی پیش آمده است اظهار عقیده کرده ام حالا هم اظهار عقیده میکنم و آن مسئله حبس قابل ابتیاع است که بنده مخالف آن هستم. این ترتیب ترتیب بدیست و ما هم نباید آن را قبول کنیم زیرا اگر کسی بنا است حبس شود باید حبس شود والا پول بدهد حبس را بخرد بنده مخالفم مخرجه- صحیح است قابل ابتیاع برداشته می شود. رئیس- باین پیشنهاد کند بعد برداشته شود. آقای طهرانى موافقت یا مخالف؟ طهرانى- با ما موافقم . رئیس- بفرمایند آقا شیخ محمدعلی طهرانى- این جرمی است که شريك در جرم باید در محکمه که در آن محکمه جرم مجازا می شود شود باینکه شريك جرم یا معاون مجرم در حد خود مجرم باشد بنابر این اگر بنا باشد قابل ابتیاع را حذف کنیم آنوقت فرقی بین مجرم و معاون مجرم نخواهد بود

بکنند که نمی شود گفت کسانی که بواسطه تقصیراتی محکوم بمجازات می شوند کسانی که با آنها همدستی می کنند باید معاف باشند منتهی این است که مجازات آنها باید قدری خفیف تر باشد و بهمان دلیلی که مرتکبین در مجازا هم نظامی معاف میشوند و همدستهای آنها هم باید در محکمه نظامی معاف شوند و چنانکه عرض کردم اصلاً باید مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ باشد و نظر دولت هم حبس غیر قابل ابتیاع بوده چنانچه ملاحظه می فرمائید (قابل ابتیاع) در بین الهالین نوشته شده و باید قابل ابتیاع حذف شود و کسانی هم که همدستی با مجرمین مذکور بکنند باید حبس شوند بدون این که قابل ابتیاع باشد (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس- کافی است؟ (گفتند بلی) دو فقره پیشنهاد رسیده باید قرائت شود. (بشرح ذیل قرائت شد) پیش نهاد آقای داور - بنده پیشنهاد می کنم ماده سی و چهارم بترتیب ذیل اصلاح

بنابر این معنی ندارد ما قابل ابتیاع را حذف کنیم . اضافه در اینجا مینویسد در مولد ۳۲ و ۳۳ و ۴۴ ماده سی و چهار خود این ماده است باید عبارت را يك شكلی نوشت که معلوم شود مقصود چه چیز است . وزیر فوائد عامه - اصلاً این ماده سی و چهار که این جا درج شده اشتباه است باید این ماده سی و يك و سی و دو و سی و سه نوشته شود.

رئیس- آقای دامغانى (اجازه) این ماده بعقیده بنده خیلی اسباب زحمت خواهد بود زیرا خیلی کشتار تنظیم شده يك اشخاصی در مجلس سرباز گیری مطابق ماده سی و دو حاضر نمیشوند مجازات آنها تعیین شده يك عده ای هم برای مشق نظامی حاضر نمی شوند آنها هم مجازاتشان در ماده دیگری معین شده حالا آنها را هم که شرکت یا امداد باین اشخاص کرده اند اگر آنها را هم محكوم به سه ماه یا شش ماه حبس کنیم بخصوص اگر غیر قابل ابتیاع هم باشد که خیلی مشکلتر است بعقیده بنده مجازات فوق العاده شدیدی در این ماده لازم نیست زیرا اشخاصی که حاضر نشده اند و قصور کرده اند مجازاتشان معین شده ولی شرکاء آنها را هم محكوم بدوماه یا سه ماه حبس کنیم تصوری- کنم خوب نباشد.

بلکه علاوه بر این قسمت چون راجع بنظام نیست معلوم نیست باز هم حاکم قضیه همان محکمه نظام است یا محکمه صالحه هدایه . وزیر فوائد عامه - خود آقایان تصدیق بکنند که نمی شود گفت کسانی که بواسطه تقصیراتی محکوم بمجازات می شوند کسانی که با آنها همدستی می کنند باید معاف باشند منتهی این است که مجازات آنها باید قدری خفیف تر باشد و بهمان دلیلی که مرتکبین در مجازا هم نظامی معاف میشوند و همدستهای آنها هم باید در محکمه نظامی معاف شوند و چنانکه عرض کردم اصلاً باید مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ باشد و نظر دولت هم حبس غیر قابل ابتیاع بوده چنانچه ملاحظه می فرمائید (قابل ابتیاع) در بین الهالین نوشته شده و باید قابل ابتیاع حذف شود و کسانی هم که همدستی با مجرمین مذکور بکنند باید حبس شوند بدون این که قابل ابتیاع باشد (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس- آقای طهرانى موافقت یا مخالف؟ طهرانى- با ما موافقم . رئیس- بفرمایند آقا شیخ محمدعلی طهرانى- این جرمی است که شريك در جرم باید در محکمه که در آن محکمه جرم مجازا می شود شود باینکه شريك جرم یا معاون مجرم در حد خود مجرم باشد بنابر این اگر بنا باشد قابل ابتیاع را حذف کنیم آنوقت فرقی بین مجرم و معاون مجرم نخواهد بود

رئیس- آقای طهرانى موافقت یا مخالف؟ طهرانى- با ما موافقم . رئیس- بفرمایند آقا شیخ محمدعلی طهرانى- این جرمی است که شريك در جرم باید در محکمه که در آن محکمه جرم مجازا می شود شود باینکه شريك جرم یا معاون مجرم در حد خود مجرم باشد بنابر این اگر بنا باشد قابل ابتیاع را حذف کنیم آنوقت فرقی بین مجرم و معاون مجرم نخواهد بود

بنابر این معنی ندارد ما قابل ابتیاع را حذف کنیم . اضافه در اینجا مینویسد در مولد ۳۲ و ۳۳ و ۴۴ ماده سی و چهار خود این ماده است باید عبارت را يك شكلی نوشت که معلوم شود مقصود چه چیز است . وزیر فوائد عامه - اصلاً این ماده سی و چهار که این جا درج شده اشتباه است باید این ماده سی و يك و سی و دو و سی و سه نوشته شود. رئیس- آقای دامغانى (اجازه) این ماده بعقیده بنده خیلی اسباب زحمت خواهد بود زیرا خیلی کشتار تنظیم شده يك اشخاصی در مجلس سرباز گیری مطابق ماده سی و دو حاضر نمیشوند مجازات آنها تعیین شده يك عده ای هم برای مشق نظامی حاضر نمی شوند آنها هم مجازاتشان در ماده دیگری معین شده حالا آنها را هم که شرکت یا امداد باین اشخاص کرده اند اگر آنها را هم محكوم به سه ماه یا شش ماه حبس کنیم بخصوص اگر غیر قابل ابتیاع هم باشد که خیلی مشکلتر است بعقیده بنده مجازات فوق العاده شدیدی در این ماده لازم نیست زیرا اشخاصی که حاضر نشده اند و قصور کرده اند مجازاتشان معین شده ولی شرکاء آنها را هم محكوم بدوماه یا سه ماه حبس کنیم تصوری- کنم خوب نباشد.

بلکه علاوه بر این قسمت چون راجع بنظام نیست معلوم نیست باز هم حاکم قضیه همان محکمه نظام است یا محکمه صالحه هدایه . وزیر فوائد عامه - خود آقایان تصدیق بکنند که نمی شود گفت کسانی که بواسطه تقصیراتی محکوم بمجازات می شوند کسانی که با آنها همدستی می کنند باید معاف باشند منتهی این است که مجازات آنها باید قدری خفیف تر باشد و بهمان دلیلی که مرتکبین در مجازا هم نظامی معاف میشوند و همدستهای آنها هم باید در محکمه نظامی معاف شوند و چنانکه عرض کردم اصلاً باید مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ باشد و نظر دولت هم حبس غیر قابل ابتیاع بوده چنانچه ملاحظه می فرمائید (قابل ابتیاع) در بین الهالین نوشته شده و باید قابل ابتیاع حذف شود و کسانی هم که همدستی با مجرمین مذکور بکنند باید حبس شوند بدون این که قابل ابتیاع باشد (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس- کافی است؟ (گفتند بلی) دو فقره پیشنهاد رسیده باید قرائت شود. (بشرح ذیل قرائت شد) پیش نهاد آقای داور - بنده پیشنهاد می کنم ماده سی و چهارم بترتیب ذیل اصلاح

بنابر این معنی ندارد ما قابل ابتیاع را حذف کنیم . اضافه در اینجا مینویسد در مولد ۳۲ و ۳۳ و ۴۴ ماده سی و چهار خود این ماده است باید عبارت را يك شكلی نوشت که معلوم شود مقصود چه چیز است . وزیر فوائد عامه - اصلاً این ماده سی و چهار که این جا درج شده اشتباه است باید این ماده سی و يك و سی و دو و سی و سه نوشته شود. رئیس- آقای دامغانى (اجازه) این ماده بعقیده بنده خیلی اسباب زحمت خواهد بود زیرا خیلی کشتار تنظیم شده يك اشخاصی در مجلس سرباز گیری مطابق ماده سی و دو حاضر نمیشوند مجازات آنها تعیین شده يك عده ای هم برای مشق نظامی حاضر نمی شوند آنها هم مجازاتشان در ماده دیگری معین شده حالا آنها را هم محكوم بدوماه یا سه ماه حبس کنیم تصوری- کنم خوب نباشد.

بلکه علاوه بر این قسمت چون راجع بنظام نیست معلوم نیست باز هم حاکم قضیه همان محکمه نظام است یا محکمه صالحه هدایه . وزیر فوائد عامه - خود آقایان تصدیق بکنند که نمی شود گفت کسانی که بواسطه تقصیراتی محکوم بمجازات می شوند کسانی که با آنها همدستی می کنند باید معاف باشند منتهی این است که مجازات آنها باید قدری خفیف تر باشد و بهمان دلیلی که مرتکبین در مجازا هم نظامی معاف میشوند و همدستهای آنها هم باید در محکمه نظامی معاف شوند و چنانکه عرض کردم اصلاً باید مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ باشد و نظر دولت هم حبس غیر قابل ابتیاع بوده چنانچه ملاحظه می فرمائید (قابل ابتیاع) در بین الهالین نوشته شده و باید قابل ابتیاع حذف شود و کسانی هم که همدستی با مجرمین مذکور بکنند باید حبس شوند بدون این که قابل ابتیاع باشد (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

مخرجه- قبول کردم . پیش نهاد آقای آقا میرزا شهاب - بنده پیشنهاد می کنم که عبارت « پس از ثبوت » در سطر دوم بعد از لفظ « شرکت یا امدادی » نمایند . اضافه شود . مخرجه- این هم بندیرفته می شود . رئیس- پیشنهاد آقای طهرانى (بترتیب ذیل خوانده شد) این بنده پیش نهاد می نماید که پس از قابل ابتیاع اضافه شود « یا يك ماه حبس قابل ابتیاع » آقا شیخ محمدعلی طهرانى- بنده پس گرفتم . رئیس- رأی می گیریم بماده سی و چهارم با حذف « قابل ابتیاع » و اضافه « پس از ثبوت » پس از « امداد نماید » وزیر فوائد عامه - واضعاً « ماده ۳۱ » و حذف « ماده ۳۴ » رئیس- بلی نوشته می شود: ماده ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ آقایان موافقین با این ترتیب قیام فرمایند . (اغلب برخاستند)

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

دهد و نه سرباز والان سرباز دامغانی آنجا است این تمییز را ما باید الان این جا موقوف کنیم از حالا باید گفت استرآبادی و دامغانی و کاشانی و یزدی مساوی هستند . در برابر مالیات مساوی هستند در دادن سرباز هم باید این تساوی رعایت کرد تمام اهالی مملکت و تمام ولایات باید متساوی در این مسئله شرکت کنند اجراء این قانون که موکول با اجراء سبيل احوال شده است ما نمی دانیم سبيل احوال کی مجزا می شود مخصوصاً در دهات و قراء چطور مجزا می کنند اگر موکول بقانون سبيل احوال شود تا ده سال دیگر هم آقایان اجرا نمی شود مگر يك بودجه کاملی برای سبيل احوال درخت کنند آن وقت ممکن است در ظرف دو سال قانون سبيل احوال در تمام مملکت مجری بشود و اینقا قانون هم اجراء شود ولی باین ترتیب باز ما آن اصول ظالمانه سابقه را عملاً ایقا کرده ایم یعنی می گوئیم ناچندین سال دیگر در بعضی نقاط اصول بنیچه بقی باشد و آن مقیاسهای بی مورد شامل يك قسمت هائی از مملکت بشود قانون سبيل احوال مجری شود . این است که بنده مستقیم در این قانون بنویسیم قانون سرباز گیری سابق از حالا ملتی است و دولت تاجانی که می تواند قانون سبيل احوال را مجری کند و صورت و احصائیه نفوس را از همه جا بخواهد و این قانون در يك قسمت هائی بطور کم و بیش مجرا شود در آتیه بطور کامل اجراء شود والا این ماده با تمییز را ناچندین سال حکم فرما خواهد کرد . این است که بنده مخالفم

وزیر فوائد عامه - واضعاً « ماده ۳۱ » و حذف « ماده ۳۴ » رئیس- بلی نوشته می شود: ماده ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ آقایان موافقین با این ترتیب قیام فرمایند . (اغلب برخاستند) تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

در این ماده قانون نظام اجباری موکول شده است با اجراء قانون سبيل احوال بنده همچو امیدواری ندارم که باین زودی در تمام مملکت ایران قانون سبيل احوال اجراء شود زیرا يك تشکیلات وسیعه لازم دارد - مخارج زیادی لازم و بودجه که ما هر سال تصویب می کنیم کافی نیست و این باعث می شود که این قانون در يك قسمتهائی مجری بشود و در يك قسمتهائی طول بکشد و يك عده مساوی پیدا بشود در آن نقاطی که اصول بنیچه بندی معمول است البته يك فشارها و تحملاتی بر مردم و دهاقین می شود و يك قسمت هائی معاف است . بعضی شهرها کراراً تحمیلات سربازی می شود و متوالیاً می آیند بطهران و فرار می کند از مکرراً از آنها سرباز می خواهند و در سال دوم مرتبه سه مرتبه سرباز می دهند و در مقابل بعضی جاها هیچ سرباز نمی دهند . مثلاً استرآباد نه هیچ خانواری می

تصویب شده ماده سی و پنجم . شرح آتی قرائت شد ماده سی و پنجم - دولت مکلف است که قانون سبيل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجراء نماید و در هر حوزه که قانون مزبور اجراء گردید قانون خدمت نظام عمومی اجباری اجراء خواهد شد و پس از اجراء این قانون در هر قسمت از مملکت اصول بنیچه نسبت با تقسمت ملتی خواهد بود . رئیس- آقای یاسانی (اجازه)

خودشان بکنند و آنها را تحت تسلط بیاورند باید مثلاً آنها را بشناسید و بدانید در هر نقطه عدّه شان چقدر است و بالتبع باید مثلاً قانون سجل احوال را اجرا کنید و چون مملکت محتاج به نظام اجباری است همان احتیاج و ادار خواهد کرد قانون سجل احوال هم اجراء شود و باین ماده دو قانون را ما اجرا خواهیم کرد (بعضی گفتند مذاکرات کافی است و بعضی کافی نمی دانستند

رئیس - رأی می گیریم به کفایت مذاکرات. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است.
(پیش نهاد آقای تدین به شرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد می کنم ماده سی و پنجم به طریق زیر مقرر شود.

ماده ۳۵ - در هر حوزّه که قانون سجل احوال اجراء شود قانون خدمت نظام اجباری اجراء خواهد گردید و پس از اجرای این قانون در هر قسم از مملکت اصول بنیچه نسبت بان قسمت ملتی خواهد بود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - پیش نهاد بنده از نقطه نظر اصلاح ماده است و این قسمت اول ماده که نوشته دولت مکلف است قانون سجل احوال را هر چه زودتر در تمام مملکت اجرا نماید.

بنده بنده این لازم نیست در قانون نوشته شود زیرا هر قانونی را که مجلس تصویب کند وظیفه دولت این است آن را اجرا نماید. تو صبه که نباید کرد این قسمت را چون در قانون نوشتن صورت تو صبه دارد باید حذف گردد.

وزیر فرهنگ - ماده ۱۰۰۰۰ در قسمت اول ماده از نقطه نظر تا کید در تسریع اجرای این قانون بدینست که حتماً لازمی ندارد ولی چون از نقطه نظر اصل ماده هم ضروری ندارد لهذا ما این قسمت را باقی گذاریم و به عقیده من همین طور که هست باشد بهتر است.

رئیس - عقیده کمیون چیست؟
مخبر - رأی بگیریم.
رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند.
(اغلب نماندگان قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد دیگر (بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد شاهزاده حیدر قلی میرزا حشمتی - ماده سی و پنجم را اینطور پیشنهاد می کنم.

دولت مکلف است وسائل اجرای این قانون را هر چه زودتر فراهم نموده و تناول

نست باین جهت قانون نظام اجباری را آورده که حکم بطور تساوی در تمام مملکتی اجرا شود هیچ فلسفه و فضیلتی برای یک عدّه نیست که مستخدم یک عدّه دیگر باشند و یک عدّه مغضوم باشند پس برای اینکه در نتیجه سر باز گرفتن عملی نبود دولت در نظر گرفت قانون نظام اجباری را آورد. حالا این ماده که این جا نوشته شده است باز حق تبعیض داده و گفته است هر جا که قانون سجل احوال اجرا شد آنجا باید قانون بنیچه الغاء و نظام اجباری اجراء شود.

بنده تصدیق می کنم که امر روز نمی شود نظام بنیچه را الغاء کرد زیرا اگر الان ملتی کنیم رشته نظام بکلی گسیخته میشود و بدون اجرای سجل احوال هم نمی شود نظام اجباری را عمل کرد و سجل احوال هم البته مقدم است لکن دولت باید تسریع کند در اجرای قانون سجل احوال که در ظرف یک سال مقدمات آن درست و عملی شود و پس از یکسال یک مرتبه تمام بنیچه الغاء و نظام اجباری در تمام مملکت بطور عملی اجراء شود و هیچ عدّه مستخدم عدّه دیگر نباشند.

وزیر فرهنگ - همانطور که خود آقای بیان فرمودند تصدیق کردند که برای اجرای قانون نظام اجباری اجرائی قانون سجل احوال لازم است در همان حال که ممکن است عملاً در تمام ایران قانون سجل احوال زودتر از یکسال اجراء شده باشد بالتبعیجه قانون نظام اجباری هم زودتر از یکسال در بعضی ولايت اجراء شده باشد در همان حال در قانون نمی شود مدت معین کرد. یکسال یا چهار ماه یا باصدمه هر چه مدت در قانون معین کنید غلط است زیرا مملکت ما خیلی هم ضعیف است و بالاخره هر قانونی هم اجرائی می جباتی لازم دارد خوب اگر فراهم نشد یعنی از آن مدت تجاوز کرد تکلیفش چیست بنابراین نباید فراموش کرد که قانون نظام اجباری بواسطه جدیت و میل مفرط شخص رئیس دولت وضع شده و همان میل مفرط شخص رئیس و شاید دولت در ظرف مدت کمتر از یکسال هم قانون سجل احوال را هم اجراء کند ولی در همان حال درج کردن مدت در قانون غلط است.

رئیس - معضالی نیست؟
(گفته شد خیر)
رئیس - آقایانیکه این ماده ۳۶ را قیام می کنند قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)
رئیس - تصویب تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل خوانده شد)
ماده الحاقیه باید تصویب این قانون در ظرف ۴ ماه شروع با اجرای قانون اول در مرکز خواهد نمود.

آقا سید یعقوب - گرچه در ضمن بیان آقای وزیر فوائد عامه در جواب آقای دامغانی مطلب استفاده شد که شروع با اجرای این قانون بعد از قانون سجل احوال خواهد بود و مسلماً قانون سجل احوال اسباب جریانش در مرکز زودتر فراهم است تا در ولايات پس قهراً اول شروع خواهد خواهد شد.

بنده برای اینکه توجه بدهم خاطر آقایان و هم رئیس محترم دولت را که حقیقه باید شهرها هم در خدمت مملکت وارد بشود و اول این مسئله از مرکز شروع شود و در مرکز هم ما جوتهای زحمت کشیده زیاد داریم این بود که بنده پیشنهاد کردم که اول دولت از مرکز شروع کند و آن وقت ده یا نوزده هزار قشون از اینجا تهیه می شود و این رعایای بیچاره بروند سر رعیتی شان و بحمد الله نفع ما محتاج به زحماتی نیست و بواسطه زحمت دولت وقت امنیت برقرار است ولی قشون الان میخواهد قدری راحتی داشته باشد و بهترین است که از مرکز شروع بشود و این قشونی که هست بروند مشغول رعیتی شان بشوند این است که این پیشنهاد را کردم که اگر از مرکز شروع بشود بهتر است.

مخبر - در این قانون ملاحظه کردند که اجرای آن موکول شده است با اجرای قانون سجل احوال یعنی هر جا که قانون سجل احوال اجرا شد دولت شروع به اجرای این قانون در همان محل خواهد کرد و دیگر لازم نیست نوشته شود بعد از ۴ ماه و این ماده الحاقیه گمان نمیکنم لزومی داشته باشد.

آقا سید یعقوب - استر داد میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای د کتر آقایان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (بشرح ذیل خوانده شد)
ماده الحاقیه ماده فقط مشمول افرادی نفع قیام نمودند)
رئیس قابل توجه نشد. ماده ارجاع شد بکمیسیون. ماده ۳۶ (بشرح ذیل خوانده شد)
ماده ۳۶ - نظام نامه اجراء این قانون را وزارتین جنگ داخله با موافق نظر تدوین کرده و پس از تصویب هیئت وزراء بوسیله وزارت جنگ بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

ذخیره مقدم و افراد ذخیره تالی هر سه سال در حوزّه خود برای قدرت یک ماه مشق نظامی باید حاضر شوند بعد هم ماده ۳۴ پیش بینی میکند که هر یک از افراد ذخیره که در مواقع احضار برای مشق نظامی بدون عذر موجه حاضر شوند پس از ثبوت تقصیر آنها در محکمه نظامی از یک ماه تا ۳ ماه محکوم می شوند.
خدمت نظامی باید بطوری نباشد که اسباب زحمت فراهم کند.
در قوانین سایر نقاط هم کمتر قوانینی هستند که ایننامه را دارا نباشد ولی آنها نیز یکبار هم این ماده را دارند و زحمت میکشند یک کنتراتی دارند و مطابق آن کنترات رفتار می کنند.
ما اگر بخواهیم در این قانون داخل یا سه سال یکمرتبه برای مشق حاضر می شوند باید فقط آنها نباشند که سکنای دائمیشان در مملکت باشد چرا برای اینکه ممکن است یک جوان ایرانی در فرانسه یا آمریکا مستخدم باشد در موقع خدمت نظامی بر میگردد بایران و بعد از دو سال خدمت مجدداً می رود سر کارش و در آنجا یک کاری دارد و با تجارت یا کار دیگر آنوقت این شخص نمیتواند دو سال یکمرتبه از آمریکا بیاید بایران و یکماه خدمت کند و اگر بیاید اسباب زحمت آن شخص میشود و اگر نیاید مطابق ماده سی و سه اسباب محکومیتش فراهم میشود.
از این نقطه نظر آنها را با تدمعاف کرد و از طرف دیگر وقتی که بنامد مطابق قوانین مملکتی هر سر بازی هر دو یا سه سال یکمرتبه مجبور شود که برود سر خدمت نظامی
اگر آن شخص مستخدم باشد استخدام و محل خدمت و حقوق او باید محفوظ باشد.
اگر محفوظ باشد این همه اسباب زحمت مردم را فراهم نمی آورد و اگر محفوظ نباشد اسباب زحمت میشود و هر دو سال یکمرتبه باید مجدداً بجهتجاه یا شاهما یا یکسال بیکار برگردد تا کار پیدا بکند این قانون نظام اجباری که در سوسیس بموقع اجرا گذارده شد
یک تبصره هم دارد که میگردد کلیه اشخاص که مستخدم هستند و بموجب این قانون باید یکسال یا یکماه در سر مشق حاضر شوند خدمت آنها محفوظ است.
یعنی اگر شخصی مثلاً نوکر است یا شاگرد در دفتر است.
وقتی برای خدمت نظام میرود خدمت خودش محفوظ است همینطور اگر معلم است یا اگر تاجر است مجدداً باید سر کار خودش برود.
مخبر - مذاکراتیکه آقایان کردید البته با آن سوابقی که دارید تصدیق میفرمایند که نمی شود.

اینجا نظامنامه کلیه مسائل سر باز گیری را در مجلس آورد اینجا تصریح میکند که اجرا این قانون بموجب نظامنامه که در وزارت جنگ تهیه میشود خواهد بود و البته اشخاصی که یک تربیات وموعنی باید برایشان معین شود یا باید به آنها اخطار شود یا کبی باید اخطار کند اینها را جزو وزارت خانه معین خواهد کرد و دیگر اینکه میفرمایند اشخاص سابقه خدمتشان محفوظ باشد.
اینجا که مانعی توانیم داخل کنترات اشخاص شویم.
خود آن اشخاص هر جا که نوکر هستند و کاری دارند و زحمت میکشند یک کنتراتی دارند و مطابق آن کنترات رفتار می کنند.
ما اگر بخواهیم در این قانون داخل در این جزئیات بشویم هیچ مورد ندارد اینها را باید کنار در برای یک نظامنامه مفصلی که بعد تدوین خواهد شد.
رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای د کتر آقایان را قابل توجه میداند قیام فرمایند.
(چند نفری قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد.
پیشنهاد آقای قائم مقام هم رد شد
ماده الحاقی آقای آقا شیخ جلال (بشرح ذیل خوانده شد)
هر کس که تصدیق نامه دو سال خدمت نظامی را درست داشته باشد در صورت دارا بودن شرایط استخدام بر دیگران مقدم و بدون استاذ خدمت دولت پذیرفته میشود
آقا شیخ جلال - بنده تصور میکنم ماده شانزدهم و هفدهم اشخاصی را که حقیقتاً یک زندگانی دارند اینها را مستخدم ادارات می کند فقط باقی مانده منحصراً میشود به یک عدّه اشخاص که اهدا نمی توانند کار بکنند
داور - در مرتبه قرائت بکنند.
(مجدداً بشرح فوق قرائت شد)
طهرانی - البته موقع تجهیزات عمومی موقع جنگ است احتیاج مملکتی در آن موقع بمجلس شورای ملی گمان نمیکنم بقدر تمام افراد نظام باشد مملکت محتاج میشود بوضع یک مالیات فوری برای تقویت نظام محتاج میشود بوضع یک قوانین فوری که در آن موقع محتاج الیه عموم است.
اگر بنا باشد در آن موقع و کلاد در تحت تجهیزات عمومی باشد.
آنوقت مجلس نیست قوانینی را که دولت محکوم باشد با اجرای موادی که در آن موقع درست میشود نه اینکه بگوئیم و کلاه یک اختصاصی از سایرین دارند بلکه و کلاه در موقع جنگ و تجهیزات عمومی بیشتر مکلف هستند که تحت سلاح بروند زیرا مقدم بر سایرین هستند
لکن گاهی از اوقات یک اتفاقی می افتد که باید بمجلس شورای ملی باشد مادر جنک بین المللی مجلس شورای ملی در مالکی که اغلب جنگجو بودند هم وقت حاضر بودند وضع قوانینی می کردند نظریات خودشان را پیشنهاد میکردند موقع جنگ موقعی است که دولت و وزارت جنگ بداشتن

روی بنیچه آمده اند و دوسال اجباراً سر باز شده اند و مدت خدمت تحت سلاح را بانجم رسانیده اند دیگر حالا که قانون نظام اجباری تصویب میشود از قرعه معاف باشند و مثل همان دار طلبان
رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند
عده کمی برخاستند
رئیس - قابل توجه نشد ماده شانزدهم بعضی از نمایندگان تنفس - بعضی معالف بودند)
رئیس - آقایانی که تعطیل چند دقیقه جلسه را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس تنفس میشود (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاحت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - ماده شانزدهم که بکمیسیون مراجعه شده بود و خبرش دیر روز توزیع شده مطرح است (بشرح ذیل قرائت شد)
ماده ۱۶ - کسانی که بواسطه موقتیت خود در خدمت نظامی معاف میباشند ۱ حکام شرع مجاز با جهاد یا قوتی مراجع تقلید یا قوتی و علماء درجه اول مذاهب زرتشتی و کیمیمی و مسیحی - و مدرسن علوم معقول و منقول ۲- دارندگان تصدیق نامه (دیپلم) از مدارس عالیّه داخله یا خارجه
۳- طلاب علوم دینیه که در مدارس قدیمه تحصیل می نمایند اعم از اینکه در مدارس مزبوره ساکن باشند یا نباشند در صورت اصابت قرعه بنام آنان واحد بودن شرایط ذیل در مدت تحصیل و داشتن تصدیق اجتهاد پس از تحصیلات از خدمت نظام معاف میباشند
۴- نداشتن اشتغال جز بصحیبت و داشتن تصدیق نامه طلبگی از مدرس و متولی مدرسه که فقط اشتغال بصحیبت دارند بدادن امتحان سابقه مطابق در حالیکه طلاب تحصیل میکنند از مقامات بیلا.

رئیس تبصره هم جدید از طرف کمیسیون رسیده قرائت میشود
(اینطور قرائت شد)
تبصره ذیل بقسمت ب ماده ۱۶ پیشنهاد میشود هیئت متحنه رادولت از بین متخصصین معین خواهد کرد.
رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)
آقا میرزا شهاب - بنده داخل در اصل موضوع که خاصه اولیاء خدا چه کسانی هستند و وظائف سفینی متوجه چه کسانی هست نمی شویم یک اشکالاتی در این ماده داشتم که بطور اختصار حضور آقایان عرض میکنم
و آن این بود که می خواستم باصلاح کلاهها تحریر محل نزاع معلوم شود که محل اختلاف چیست؟

کمان می کنم هیچک از آقایان منکر این قضیه نباشند که علماء و مجتهدین باید از خدمت سرکاری معاف باشند آنهایی هم که مشغول تحصیل علوم دینی هستند بموجب پیشنهاد خود دولت از خدمت نظام معاف هستند فقط اشکالات در تشخیص معصیان علوم دینی است متصوران بود که آنها می که تحصیل می کنند تشخیص داده شود که کاملاً حقیقتاً معصیانند و کدام نیستند.

چونکه مسئله سرکاری و جانشانی بچنان مرتبت است البته اشعاع فرار خواهند کرد مقصود این است آن اشعاع که واقفاً طلبه هستند در تحصیل علوم دینی هستند آنها معاف باشند و آنها که بری قرار از سرکاری مجلس بلیس روحانی می شوند و در واقع می نوایم بگوئیم که یکتعمیرشان شاید جامعه روحانیت را لکه دار کرده آنها نیاید حالا با این مقدمات این تبصره که نوشته شده است اشعاعی له طلبه هستند امتناع بنویسند خوب است برای اینکه معلوم می شوند اینها تحصیل می کنند یا فقط برای فرار از خدمت سرکاری اینکار را کردند

اگر این تبصره قبول شود آنوقت پای امتحان که در میان آمد دیگر بنده مخالفی ندارم زیرا از زری بنده همیشه این بوده است که اشخاص که نام خودشان را طلبه می گذارند تحصیل نکنند فقط به عبارتی معافند نمانند (بعضی گفتند معاف در آن کافی است) رئیس معافان را آقایان کسافی می دانند؟

(گفته شد بلی) (پیشنهاد آقای مفتی شرح دین قرابت شد. پیشنهاد می کنم در قسمت ۳ از ماده ۱۶ عبارت و داشتن تصدیق اجتهاد پس از تحصیلات حذف شود (همه نه نمایندگان) معبر - کمیسیون قبول میکنند رئیس - چه پیشنهاد کرده آقای مفتی - پیشنهاد کردم عبارت و داشتن تصدیق اجتهاد پس از تحصیلات حذف شود چون مکرراً است وزیر فواید عامه - کویا بعد از کلمه اجتهاد (ویا فتوی) در اصل راپرت بوده و حذف شده باید اضافه شود و تصوری کنم مقصود ایشان هم همین شود مفتی - پیشنهاد دیگری تقدیم می کنم (پیشنهاد تانی ایشان اینطور خوانده شد پیشنهاد میکنم در قسمت سه از ماده ۱۶ بعد از کلمه اجتهاد اضافه شود (یا فتوی) معبر - این را قبول می کنم رئیس - رای می گیریم بپاره شانزده یا تبصره اضافه کلمه یا فتوی در قسمت سوم

بعد از لفظ اجتهاد - آقایان موافقین قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع بپاره سی و پنجم (شرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای تندی پس از مذاقه در کمیسیون قبول نشد و لیکن کمیسیون نظریات دیگری پیشنهاد وماده سی و پنج را بطریق ذیل اصلاح نماید: ماده ۳۵ در هر ناحیه سر باز گیری که قانون سجل احوال اجرا شود قانون خدمت نظام اجباری خواهد گردید و پس از اجرای این قانون اصول نتیجه نسبت بان قسمت ملغی خواهد شد. رئیس - مخالفی ندارند؟ آقای میرزا شهاب (اجازه)

آقایان ز شهاب - این قسمتی که پیشنهاد شده است بنده هم موافقم فقط در جمله اخیر: و پس از اجرای این قانون وصول نتیجه بسته بان قسمت ملغی خواهد شد بعقیده بنده باید ملغی خواهد بود (باشد برای این که در مرتبه متعذر این که امر جدیدی برای الفاء بنتیجه صادر شود نباشد وزیر فواید عامه قصد هم (همین خواهد بود) بود) رئیس - رای می گیریم بپاره سی و پنج با تمعین (اشد) می شود در آخر ماده آقایان موافقین قیام فرمایند. (اغلب برخاستند) رئیس - تصویب شد. امدا کرات راجع بکل قانونت مخالفی وارد؟ (گفته شد خیر) رئیس رای گرفته می شود بقانون نظام اجباری که مشتمل بر سی و شش مادو است. آقایان بیک تصویب می کنند قیام فرمایند

نوشته اند (مقرراً فی تسعیر فتونی) و از وقتی که مالیات نقدی بجمعیله مبادله پیدا کرده و مقرراً فی تسعیر را از بین برده اند عین جنس خالص باقی مانده اند و این یک ظلمی است نسبت بمالکین حتی اینکه خیلی از مالکین خالصجات انتقالی حاضرند همین جنس را در ازاء مالیات واگذار کنند. يك قسمت اینطور افراط و بیکسمت هم تقریباً مثل در دامنان ما که کمیسیون بطور فاحش اختلاف دارد همانطور در شاهزود و سایر قسمتها بعضی جاها حقیقت گرفته میشود و بعضی جاها زیادی میگیرند پس میبزی کردن خالصجات انتقالی بعقیده بنده لازمتر از میبزی کردن املاک اربابی است.

این را البته رئیس محترم دولت که تشریف دارند در نظر خواهند گرفت که لایحه میبزی خالصجات انتقالی زودتر بجایس

باید زیرا عایدات دولت هم آنها است حکم هم بعدالت نزدیکتر این یکی دیگر اینکه نوشته اند از سهم مالکانه بطریق ذیل گرفته شد: از دهم صدی ده از غیر دهم پس از وضع صدی ۵ بابت مخارج ده.

يك اشکال بزرگی را که مالکین در این تقسیماتی بود که بین مالکین با اختلاف در این مملکت هست این است شورش اول کاملاً مذاکره شد و حل نمودند پس هم يك راه حلی در نظر گرفتند اینطور قانون يك ظلم بزرگی نسبت به قسمتها و جمعیت های مملکت تقریباً از غرب و يك قسمتی از جنوب شاید متعذر باشد لیکن نسبت بشرق و شمال بضرر مردم تمام میشود.

آقای شیخ فرج الله - در جنوب هم اینطور است. اما را بجای این لایحه میبزی کردن کویا قرار نگذاشته زیرا هیچ از آن اعتراضات دفاعی نشده و کاملاً اعتراضات بجالت خود باقی خواهد است.

من جمله اینکه ماده اول نوشته: مالیات املاک اربابی (بغیر از خالصجات انتقالی) اولاً آقایان در نظر دارند که خالصجات انتقالی اهمیت میبزی بیشتر از املاک اربابی است و بایستی بزودی تصفیه شود برای اینکه از خالصجات انتقالی الان در این مملکت بیک طور متفاوت و مختلفی مالیات گرفته میشود.

از بعضی جاها استهلاک دارد و مطابق همان جزء جمع قدیم مالیات گرفته میشود و بعضی ها بیشتر از اندازه استمدادش گرفته می شود زیرا در بعضی از فرامین که انتقال پیدا کرده و از آن ابتدا يك مالیاتهای باو بسته اند.

نوشته اند (مقرراً فی تسعیر فتونی) و از وقتی که مالیات نقدی بجمعیله مبادله پیدا کرده و مقرراً فی تسعیر را از بین برده اند عین جنس خالص باقی مانده اند و این یک ظلمی است نسبت بمالکین حتی اینکه خیلی از مالکین خالصجات انتقالی حاضرند همین جنس را در ازاء مالیات واگذار کنند.

بنابراین باید این تقسیمات مختلف را که در مملکت میشود روی يك اصولی قرار داد. بنده از شورش اول پیشنهاد کرده بودم و عرض هم کردم که تقسیمات اصولی روی بنیان و گاو آب و خاک و کار قرار گرفته شود پس میبزی کردن خالصجات انتقالی بعقیده بنده لازمتر از میبزی کردن املاک اربابی است.

این را البته رئیس محترم دولت که تشریف دارند در نظر خواهند گرفت که لایحه میبزی خالصجات انتقالی زودتر بجایس

مخارجی ندارد که ما این قدر بابت مخارج کسر میکنیم و آن هیچ فلسفه ندارد جز این که يك افراط و تفریطی است برای این که در قسمت اول بابت مخارج صدی پنج کسر کرده اند

این بر خلاف عدالت و يك ظلمت است يك جمعیت و ممکنست شرفیها، شایعها و اکثریت را هم در موقع که قانون میبزی میکنند همان قرارداد غرب را ما رعایت خود قرار نگذاشتند و بر عابا نگویند که بدر و گاو و مخارج بنده شما و يك قسمت از حاصل مال ما چهارم قسمت آن مال شما باشد و این کاملاً بضرر دولت تمام میشود.

پس بعقیده بنده باید این پنج اصل را در نظر گرفت یا اینکه يك اصلاش را که همان کار باشد موضوع کرد و نسبت به سایر اصل دیگر البت وضع کرد یا اینکه سه قسم را موضوع کرد بر دو قسمت آب و خاک و زمین و مالکیت وضع کرد آنوقت این عادلانه است و در تمام مملکت یکسان است و الا بقسم عادلانه نخواهد شد و امید وارم بر این بنده يك توجهی بشود یا با دلایل منطقی دفاع فرمایند و با اصلاح فرمایند. اشکال دیگری که در این ماده هست اینست که درین مورد که نسبت به تمام افراد عدالت داشته باشد و نسبت به تمام افراد علی السویه باشد آنهم در مملکتی که تقسیمات بین رعیت و مالک خیلی مختلف است مثلاً در فارس یکطور است. در آذربایجان طریق دیگری است در شرق یکطور دیگر و در غرب يك ترتیب دیگر و بالین اختلافاتی که در تقسیم هست کسبوتن چهارم می تواند يك قانونی وضع بکنند که وحدت داشته باشد و شامل این ۴ قسمت مختلف هم بشود ما برای چه محتاج بقانون میبزی بودیم برای اینکه احتیاج ما باین است که يك قانون وضع کنیم و بعد از آنکه قانون از تصویب مجلس گذشت و بدست دولت رسید بوضع اجراء بگذارند آن وقت بعد از آن ترتیب بین رعایا و مالکین تصفیه می شود آری این اختلافاتی که بین رعایا و مالکین است نباید آنها را يك وقتی بصورت واحد در آورید این مسئله بعقیده مسئله اوزان و مقادیر است پس شما بگوئید که چطور موازنه هائی تهیه کنیم که در همه جا معمول شود البته باید تمام اوزان مختلفه را که در نقاط مختلفه مملکت هست کنار گذاشت و يك وزنه های معینی ایجاد کرد که وزنه های سابق از بین برود دولت نسبت باب و خاک يك حقوقی را منظور میکنند آن وقت شما می گوئید دولت باید در نظر بگیرد که این مالک از رعیت خودش چندر اخذ کرده است و آن وقت يك قانون واحدی نسبت باین قسمت های مختلف وضع کنند شما که خودتان فیلسوف هستید ببینید چطور قانون واحدی می شود وضع کرد که شامل

در دوره چهارم لایحه راجع باین موضوع بمجلس آمد ولی موقع نشر و خاتمه پیدا نکرد. اما راجع عباسی دیگر بنده میگویم خاطر آقای دامغانی را توجه بهم باینکه ممکن نیست يك قانونی در مملکت وضع شود که نسبت به تمام افراد عدالت داشته باشد و نسبت به تمام افراد علی السویه باشد آنهم در مملکتی که تقسیمات بین رعیت و مالک خیلی مختلف است مثلاً در فارس یکطور است. در آذربایجان طریق دیگری است در شرق یکطور دیگر و در غرب يك ترتیب دیگر و بالین اختلافاتی که در تقسیم هست کسبوتن چهارم می تواند يك قانونی وضع بکنند که وحدت داشته باشد و شامل این ۴ قسمت مختلف هم بشود ما برای چه محتاج بقانون میبزی بودیم برای اینکه احتیاج ما باین است که يك قانون وضع کنیم و بعد از آنکه قانون از تصویب مجلس گذشت و بدست دولت رسید بوضع اجراء بگذارند آن وقت بعد از آن ترتیب بین رعایا و مالکین تصفیه می شود آری این اختلافاتی که بین رعایا و مالکین است نباید آنها را يك وقتی بصورت واحد در آورید این مسئله بعقیده مسئله اوزان و مقادیر است پس شما بگوئید که چطور موازنه هائی تهیه کنیم که در همه جا معمول شود البته باید تمام اوزان مختلفه را که در نقاط مختلفه مملکت هست کنار گذاشت و يك وزنه های معینی ایجاد کرد که وزنه های سابق از بین برود دولت نسبت باب و خاک يك حقوقی را منظور میکنند آن وقت شما می گوئید دولت باید در نظر بگیرد که این مالک از رعیت خودش چندر اخذ کرده است و آن وقت يك قانون واحدی نسبت باین قسمت های مختلف وضع کنند شما که خودتان فیلسوف هستید ببینید چطور قانون واحدی می شود وضع کرد که شامل

مخارجی ندارد که ما این قدر بابت مخارج کسر میکنیم و آن هیچ فلسفه ندارد جز این که يك افراط و تفریطی است برای این که در قسمت اول بابت مخارج صدی پنج کسر کرده اند

این بر خلاف عدالت و يك ظلمت است يك جمعیت و ممکنست شرفیها، شایعها و اکثریت را هم در موقع که قانون میبزی میکنند همان قرارداد غرب را ما رعایت خود قرار نگذاشتند و بر عابا نگویند که بدر و گاو و مخارج بنده شما و يك قسمت از حاصل مال ما چهارم قسمت آن مال شما باشد و این کاملاً بضرر دولت تمام میشود.

پس بعقیده بنده باید این پنج اصل را در نظر گرفت یا اینکه يك اصلاش را که همان کار باشد موضوع کرد و نسبت به سایر اصل دیگر البت وضع کرد یا اینکه سه قسم را موضوع کرد بر دو قسمت آب و خاک و زمین و مالکیت وضع کرد آنوقت این عادلانه است و در تمام مملکت یکسان است و الا بقسم عادلانه نخواهد شد و در تمام مملکت یکسان است و الا بقسم عادلانه نخواهد شد

در دوره چهارم لایحه راجع باین موضوع بمجلس آمد ولی موقع نشر و خاتمه پیدا نکرد. اما راجع عباسی دیگر بنده میگویم خاطر آقای دامغانی را توجه بهم باینکه ممکن نیست يك قانونی در مملکت وضع شود که نسبت به تمام افراد عدالت داشته باشد و نسبت به تمام افراد علی السویه باشد آنهم در مملکتی که تقسیمات بین رعیت و مالک خیلی مختلف است مثلاً در فارس یکطور است. در آذربایجان طریق دیگری است در شرق یکطور دیگر و در غرب يك ترتیب دیگر و بالین اختلافاتی که در تقسیم هست کسبوتن چهارم می تواند يك قانونی وضع بکنند که وحدت داشته باشد و شامل این ۴ قسمت مختلف هم بشود ما برای چه محتاج بقانون میبزی بودیم برای اینکه احتیاج ما باین است که يك قانون وضع کنیم و بعد از آنکه قانون از تصویب مجلس گذشت و بدست دولت رسید بوضع اجراء بگذارند آن وقت بعد از آن ترتیب بین رعایا و مالکین تصفیه می شود آری این اختلافاتی که بین رعایا و مالکین است نباید آنها را يك وقتی بصورت واحد در آورید این مسئله بعقیده مسئله اوزان و مقادیر است پس شما بگوئید که چطور موازنه هائی تهیه کنیم که در همه جا معمول شود البته باید تمام اوزان مختلفه را که در نقاط مختلفه مملکت هست کنار گذاشت و يك وزنه های معینی ایجاد کرد که وزنه های سابق از بین برود دولت نسبت باب و خاک يك حقوقی را منظور میکنند آن وقت شما می گوئید دولت باید در نظر بگیرد که این مالک از رعیت خودش چندر اخذ کرده است و آن وقت يك قانون واحدی نسبت باین قسمت های مختلف وضع کنند شما که خودتان فیلسوف هستید ببینید چطور قانون واحدی می شود وضع کرد که شامل

قسمت های مختلف بشود این حال است عملی بشود. پس دولت ناچار است می گوید من عشر می گیرم آن وقت رعایا و مالکین سابق خودشان يك ترتیبی اتخاذ کنند.

امانیت باین ۵ اصل که فرمودند که میباشد از رعایا است که آ و زمین و گاو و کار و بندر باشد اینها درست ولی دولت حق خودش را اخذ میکند دولت که نمی تواند حق مالکیت را معین کند. ناقصی بمالکیت شخصی هستم.

دولت در حق مالکیت شخصی نباید مداخله کند فقط دولت می گوید ازین سهم مالک من عشر می گیرم آن وقت مالک در رعیت خودشان يك تر از دیگری با هم میگذارند. و بعد از آنکه حق دولت عشر شد آنوقت مالکین مملکت بزرگ شاهرود که ما هم يك قرار میگذارند.

اولا يك قانونی از مجلس میگذرد که نسبت به بعضی ضرد و نسبت به بعضی نعم است ولی بعد از آنکه این قانون در تمام مملکت اجراء شد و نسبت به تمام مملکت وحدت پیدا کرد آن وقت مالکین هم با رعایا شان می نشینند و يك قرار میگذارند.

این مسئله عشر هم يك چیز اساسی است و مطابق قانون اسلام همه هست و از خیلی قدیم هم در ایران معمول بوده و اگر ما بین مالکین و رعایا يك اختلافی بوده است آن اختلاف هم تصفیه خواهد شد اما راجع به مسئله قنات عرض میکنم شما لازم نیست همان قنات بزد را در نظر بگیرید که چند هزار تومان خرج احداث آن قنات شده است.

در صورتیکه جاهای دیگر هست که خیلی کمتر از این خرج می شود پس افراد را نباید قسمتی نقص قانون قرار داد و يك مورد کمی که نادرا وجود است شما آن مورد را بپذیرید و بقانون حمله نکنند بنده مخالف این هستم و بنده قائل نیستم مخارج قنات آب ورود است در يك ردیف باشد و راجع بقنات بنده معتمد صدی ۱۰ باشد و راجع برود آب صدی ۵ و اگر هم از این قسمت پیشنهادی شود بنده موافقم.

اما راجع بمسئله این يك مسئله ای است که از خیلی قدیم در ایران بوده است و بعد از آنکه مجلس و دولت تصمیم گرفته که حق دولت عشر باشد دولت حق خودش را می گیرد و اگر اختلافی مابین مالکین و رعایا باشد آن اختلاف را خودشان تصفیه میکنند.

راسای - اساساً متصورم از وضع این قوانین يك نوع عدالت پروری مائی است نسبت به تمام مملکت و رفع يك نوع مظالمی است که فعلا وجود دارد. چه در قسمت نظام اجباری و چه در قسمت قانون میبزی

عمومی و چه در سایر قوانین در تمام این موارد نظر مجلس شورای ملی و دولت این است که تعدیل هائى همان نباید زیرا رسومیکه از دوره استبداد باقى ماند است در قرن بیستم نمی شود باینها ادامه داد.

در دوره چهارم يك قانونی از طرف دولت پیشنهاد شده بود که بازرمان وزارت مالیه آقای مصدق السلطنه بودند در آن راپرت که بنده خواندم.

يك انصافها و عدالت هائى نسبت به قسمت های مختلف مملکت رعایت شده بود ولی در این دوره لایحه دولت که آمد عدالت از این بود که از کلبه عایدات مملکت صدی ۴ ونهم اخذ شود و فقط از نقطه نظر دهاقین و فلاحین و رعایا آقایان نامندان محترم با آن پیشنهاد مخالف بودند و ای اینکه استثنائاً در این سهم بزرگ قنات نشده بود یعنی میگذشتند که عادلانه که سهم بزرگ هم در این است که رعیت گرفت بمارت اخیری از عمله مالکین نگذرد باین نظر آقای مدرس و سایر آقایان پیشنهاد هائى کردند که مالیات را عایدات مالکانه وضع کنیم در کسبوتن قانون مالیه هم در این زمینه مذاکره است زیادی شده بنده را هم چند جلسه دعوت کرده بودند و رفتیم بالاخره اینطور نظرشان آمد و مطابق توضیحاتی که آقای دامغانی دادند اگر این قانون وضع شود ماموجب يك نوع بی عدالتی هائی شده ایم.

قانون میبزی هم به لازم است برای اینکه در يك قسمت از مملکت يك آبادی هائی از نو بوجود آمده است که هیچ مالیات بدولت نمی دهند.

مثلاً در نیشابور ۲۵۰ آبادی هست که دیناری مالیات بدولت نمی دهند و در عرض ۵۰۰ آبادی است که حالا ویرانه است و همان جزو جمع قدیم را می دهد یا بعضی نقاط مثل یزد که مالکانشان خیلی سنگین است و در ادوار گذشته بکم آمدند و برای خدمت باشخاص پیشنهاد هائى کرده اند و يكه هم اضافه کرده اند و حالا رسیده است اینکه ۱ تومان اصل مالیات ۱۱ قران ۱۲ قران فرسخ است و الان مالیات بانداره نصف مالیات تمام ابدال خراسان است و این خیلی ظالمانه است در این نوشته شده است مالیات املاک اربابی از سهم مالکانه است و بقاوری که آقای دامغانی فرمودند در این مملکت تقسیمات بزمالک و رعیت خیلی مختلف است بکجا ۳ کورت است بکجا ۲ کورت است بکجا ۵ کورت است.

هر ناحیه از نواح مملکت یکچور مالک و رعیت ذراعتشار تقسیم میکنند و بالاخره سهم مالک در بعضی نقاط يك میزان زیادتری می شود و در بعضی نقاط يك میزان کمتری می شود و معادل کاملی در این تقسیمات بر

هر ناحیه از نواح مملکت یکچور مالک و رعیت ذراعتشار تقسیم میکنند و بالاخره سهم مالک در بعضی نقاط يك میزان زیادتری می شود و در بعضی نقاط يك میزان کمتری می شود و معادل کاملی در این تقسیمات بر

هر ناحیه از نواح مملکت یکچور مالک و رعیت ذراعتشار تقسیم میکنند و بالاخره سهم مالک در بعضی نقاط يك میزان زیادتری می شود و در بعضی نقاط يك میزان کمتری می شود و معادل کاملی در این تقسیمات بر

برق آریست اگر مالیات را توجه بدهیم به هم مالک همانطور که گفته شد ظلم میشود با اهالی.

در صورتیکه مقصود آقایان این است تعدیلی بشود کفره ظلم بشود. چنانکه الان در آن قسمتی که بنده وکیل آنجاهستم خیلی ظلم می شود بنده از نقطه نظر حوزه و کالتی خود ناگزیرم اینجا از آقایان استغاثه ننوده و استدعا کنم و بگویم آقایان ظلم می شود.

برای اینکه تقسیم زراعتی این یک طور است اگر این مالیات وضع شود ظلم فوق العاده نسبت بآنها می شود در سمنان صد خروار تقسیم میکنند بچهار خروار ۷ خروار مال مالک است ۲۵ خروار مال رعیت و تمام مخارج کاو و بذر را هم مالک می دهد) خواهشمندم آقایان دقت برایش بنده بفرمایند) آنوقت دولت مطابق این تقسیم از سهم مالکانه مالیات میبرد چقدر؟ ۷ خروار و ۵۰ من در همدان یا اصفهان یا نقطه دیگر و تقسیم مالکانه ۳ قسمتی است ۲۲ خروار از سهم مالک می شود این مالک می دهد از صد خروار و سی من ۵۰ سمنانی از صد خروار باید بدهد ۷ خروار و ۵۰ من.

این چه بی همتا است؟ آخر میخواهد تعدیل بکنند در دماغان تقسیم صد خروار ۲۰ خروار است این باید مالک بدهد ۸ خروار در یک نقطه دیگر که اینجا هم ۳ کت است باید مالیات بدهد ۳ خروار و ۳۰ من و در حقیقت این یک ظلم فاحشی است این از روی حساب و عداد است واضح است.

دولت هم این تعقیقات را کرده است و خود بنده هم صورت تقسیمات زراعتی را از مالیه گرفتم.

در تمام مملکت اختلافات زیادی است.

من جمله همان نقاطیکه ترتیب تقسیم زراعتی را عرض کردم آنوقت چطور می شود گفت که یک مالک از صد خروار و سی من بدهد و یکجا ۷ خروار و ۵۰ من ویکی کمتر بایشتر بدهد. . .

کازرونی - یک مالک هم باید یک خروار بدهد.

یاساتی - بلی ممکن است اینطور هم باشد دیگر از چیزهایی که مورد نظر بنده است همان مسئله ایست که باز آقای دامغانی فرمودند راجع بدهم تفاوت بین فنات ورود آت.

در راپورت دوره چهارم اگر آقایان مراجعه کرده باشند این تفاوت منظور شده بود چون چشم ساز مخارجی ندارد ولی فنات مخارج زیاد دارد.

چطور می شود بکنوع مالیات باینها بست.

یکدیگر از چیزهایی که فوق العاده

طرف توجه من است مسئله مالیاتهای جنسی نقدی است.

بنده بطور کلی مخالف با مالیات جنسی هستم و بیشتر از مطالبی که آقایان از بس شکایت میکنند و یا از طرف موکلینشان شکایت می شود بواسطه مالیات جنسی است اگر سالی سه چهار کرور مالیات جنسی وصول شود یک مخارج فوق العاده هم بمالیه تمویل میشود و این تشکیلات عریض و طویل مالیه در ولایات بیشتر مربوط بمالیات جنسی است.

فلان دهقان باید ۵ من مالیات جنسی بدهد این بیچاره از هشت فرسخه فرسخ ۲۰ فرسخ جانش را وارد میکند در چار یک تضییقات و اشکالاتی میشود.

مثلا عصر ه شب آقای دهقان آمده است شهر آقای انباردار وقت ندارد و زوجه هم تعطیل است.

روزشنبه باید برود جنسش را تحویل بدهد آنوقت چقدر این شخص باید معطل شود.

چقدر تحصیلدارها صدمه می زنند از راه وصول مالیات جنسی بر دم و بملاوه مخارج اینهم خیلی زیاد است که از جمله مخارج انبارداری است و دولت ناچار است برای هر قسمت کوچکی انباری تهیه کند البته مخارج دارد.

آنوقت در تحویل گرفتن جنس هم یک تضییقاتی متوجه دهقان و ملاکین می شود و یک مخارج هم متوجه دولت میشود از حیث حقوق تحصیلداری انبارداری و فیزیک.

بعلاوه دولت غالباً محتاج بیک وجوه نقدی است و محتاج کاه و جوج گندم نسبت به همان قسمتی که جنس وقتی در دست دولت است دارد همان قسمت را هم در موقعی ما گفتیم در طهران جنس خرواری ۲۰ تومان است اینجا در موقع معیزی تسعیر میکند به ۲۵ تومان و در سیستان هم که جنس ۵ تومان و ۶ تومان است به همین مبلغ تسعیر می کند و میبرد از ند و مالیه هم در وصول آن چندان دچار مشکلات نمی شود در اینجا یک چیزی که بنظر بعضی آقایان میرسد این است که اداره ارزاق طهران باید برای شهر گندم فراهم کنند و صورتیکه این جنس یک قسمتش مال خالصجات است خالصجات دولت بدهم با هم خواهد بود از بعضی جاهام که بیول می دهند جنس می برند در این صورت ممکن است دولت از این هم جنس برای اداره ارزاق خریداری نماید ولی در طرز وصول و ایصال مالیات و طرز پرداخت مالیات تسهیلاتی پیدا میشود.

این است که بنده بکلی مخالف مالیات جنس هستم و خسارت آن را برای دولت خیلی می دانم و اگر ا عراق تصور نشود

عرض میکنم چنانچه مالیات جنسی را تبدیل بمالیات نقدی کنیم یک سهم مالیات مبلغ یک کرور از بودجه مالیه کسر خواهد شد.

یک کرور از بودجه مالیه برای این است که مالیات جنسی است و اگر نقدی بشود بهسوء مالیات وصول میشود آقایانی که در ولایات گرفتار مالیه بوده اند می دانند؟ ترتیب پرداخت مالیات جنسی چقدر اشکالات دارد.

دیگر از چیزهایی که خیلی منظور بنده است و ناگزیرم عرض کنم این است که در بعضی از نقاط مملکت استمداد آب و زمین و هوا خوب است زراعت خوب به عمل می آید در یک قسمتهائی بزحمت و رنج و تعب یک زراعتی را عمل می آورند یعنی یک کسی پول میدهد کت میخرد و خرج میکند نایک عوایدی پیدا میکند یک جاهائی هم هست مثل اراضی منی فارس و غیره و در اینجاها شاید زراعت خیلی طبیعی و خوب بعمل می آید.

شاید تخمی صد تخم صدو پنجاه تخم عمل می آید ولی جاهائی هست که راه پاره خودده مالکین خیلی زحمت میکنند و تخمی پنجم تخم هفت تخم و هفت تخم بیشتر بعمل نمی آید.

اینجا هم بقیده بنده تفاوت نسبی است و باید فرق قائل شد مثلاً در جریب ملک است بهلوی یکدیگر یکجریب مال یک مالکی است که ابداء مخارج برای کندن آن نمیدهد و کود هم نمیدهد

فرضاً عایدش در سال صد تومان است یکجریب زمین بهلوی آن زمین است با همان آب هم مشروب میشود و وضعیات در حلیش هم همان است ولی مخارج آن زیادتر می شود.

دهقان هم بیشتر زحمت می کشد عملیات زراعتی آن هم بیشتر می شود در مقابل سیصد تومان عایدش میشود آنوقت شما از آن سیصد تومان و از این صد تومان یکطور مالیات بگیرید؟

در صورتی که آن سیصد تومان عایدی نتیجه عمل دهقان است پس باید مخارج او را بیشتر منظور کنند رعایت کار دهقان را هم بیشتر بکنند زیرا هم کار و زحمت دهقان بیشتر بوده و هم مخارج مالک.

شما در اینجا تفاوتی نگذاشته اید و گفته اید بالسیوه صدی فلان بپردازند و دیگر که در مالیات تصاعدی منظور نظر بود که آقایان یک قسمت زیر بار نفرقتند.

این بود که در آنجا رعایت حداقل و اکثری شده بود و گفته می شد از هزار تومان بیالاهر کس هر قدر عایدی دارد و صدی فلان قدر بدهد و از هزار تومان بیاتین معاف است.

بنده نمی فهمم فرق بین تاجر و مالک چیست؟

فوق بین فلان کسبه و فلان کسبه و فلان دهقان و خورده مالک چیست؟

همان تفاوتی که میخواستیم آنجا رعایت کنیم می گفتیم نایک اندازه باید معافی باشد در قسمت خورده مالکین و دهقان هم باید رعایت شود.

ما میخواهیم آن لایحه را در مجلس بگذرانیم و بالاخره یک حداقلی را هم در آنجا معاف خواهند کرد.

بنده عقیده ام این است که (حالات بنده خیلی کم میگورم) هر کس در سال عایدات مالکانه اش از پنجاه تومان بیشتر نیست او را معافی یک خورده مالکی که بزحمت زیادی در سال پنجاه تومان عایدی ملک را دارد انصاف نیست که یک تحمیل مالیاتی با او بکنیم که او را مطابق کنیم با کسی که بکده بزرگ دارد.

همان نظری که در قانون تصاعدی داشتیم در اینجا هم باید اعمال کنیم و یک قسمتی از خورده مالکین را معاف کنیم.

اینجا چندین مرتبه بگوش بنده خورد که هر وقت صحبت از دهقان و بر زر گروا نیها کردیم آقایان حمله کردند مخصوصاً بنده که دهقان مالیات نمیدهد.

بنده مجبورم عرض کنم قسمت عمده اهل این مملکت خورده مالک است اما هم با بکلی لایم و هیچ نداریم با بکلی بعضی بعضی ثروتمند هستند و خورده مالکین هیچ نماینده ندارند که کسی از آنها دفاع کنند.

بیشتر از قراء و دهات جنوبی بین خورده مالکین تقسیم می شود وقتی که وارد یک ده می شوید متأسفانه زندگانی آنها در دنیا بدترین زندگانی است.

مگر بنده وارد یک دهائی شدم شب گذشته است و در آن ده چراغ روشن نشده آنوقت با این وضعیتی که آنها دارند آقا انصاف هست که بگوئیم اگر ده تومان عایدی دارد باز هم مالیات بدهد.

بقیده بنده انصاف مقتضی دین است که مالک حداقلی قائل بشویم چنانکه مشراً هم همینطور است.

در اصول ذکوه نایک حدی معاف است.

واضعیر و برایشان بی بضاعت نمی گیرند و از یک حدی بالاتر معاف میگردد.

حالا ضری ندارد که ما هم یکحدی قرار بگذاریم.

مثلاً از پنجاه تومان بیاتین معاف باشد و از آن بالا مالیات بدهد این بود عرایض بنده و بیانات آقای آقا سید یعقوب هم هیچ

در موقع عمل وزارت مالیه یک معیزی در تمام بلو کات و دهات و قصبات جزء بجزء بفرستد که ببینند این زره بن را مالک چقدر خاشاک داده و چقدر خرج فلان چیز کرده این چطور مقدور است که مالیه بفهمد یک ملکی را خوب خاشاک یاچه عملی موجب شده که عایدش خوب شده باید شده؟

عایدی اینجا در نتیجه کار کردن بوده یا نبوده. این ممکن نیست عملی شود.

اما یک قسمت راجع بمالیات جنسی فرمودند.

بنده شخصاً عقیده ام با جنابعالی موافق است و خیال میکنم دوات و مجلس هم با جنابعالی موافق باشند اما موقع دارد.

حالا موقمش نیست وقتی که انشاء الله آن لایحه راجع بخلصجات از طرف دولت به مجلس بیشتهدادش اول آت. مثلاً را حل تصفیه کردند و برای دولت خالصه باقی نماند و دولت مالیات جنس اصلان داشت آن وقت ممکن است این مسئله را درست کرد والا برای بودجه مملکتی که دولت در هر سال پیش بینی کند که در سال آتیه چقدر عایدات دارد البته باید مالیات مملکتی نقدی باشد ولی این از موضوع امروز لایحه امروز که برای تعدیل مالیات آورده ایم خارج است و در موقع خودش البته خواهد شد.

اما اینکه راجع بجنس فرمودند . راجع بجنس املاک اربابی نیست . راجع بخلصجات انتقالی است که همیشه وقت وزارت مالیه را اگر حساب کنیم از هر شش ساعتی که کار می کند چهار ساعتش مربوط بان موضوع است و آنرا هم بطوریکه اطلاع داریم لایحه تهیه کرده اند و عنقریب بمجلس خواهد آمد و مخصوصاً هم باید از طرف مجلس همه طور تاً کیه شود که

زودتر این لایحه بیاید و متمایب آن لایحه معیزی املاک اربابی بگذرد و رفع این اشکالات بشود والا عمده شکایات مردم مربوط بان است.

اما راجع به مسئله مهمی که راجع بسهم مالک فرمودند این را در خارج آقایان اعتراض کردند و بطور خصوصی جواب عرض کردم حالا که این موضوع به مجلس آمده بنده این مسئله را عرض خواهیم کرد شوقش را هم عرض خواهیم کرد آنوقت بسته بنظر مجلس است اولاً یک قانونی که مجلس شورای ملی می نویسد و در مملکتی که یک قانونی می نویسند تصور نفرمایید که در سراسرش بتفیع تمام مردم تمام شود.

یعنی این قانونی که امروز برای تبدیل املاک اربابی می نویسم ممکن نیست ار کرمان تا بندر یهولی تا تمام نقاط ایران یک جور یک موافقت باشد مساماً در یک جائی یک تفاوت هائی برای یک اشخاصی حاصل خواهد شد اما نه این اندازه تفاوتی که

کدام جواب آقای دامغانی نبود لهدا بنده آتبارا تکرار کردم و خواهش میکنم آقایان بیشتر توجه کنند

مخبر - بنده استدعا میکنم آقایان جواب فرمایشات ایشان را عرض میکنم درست دقت بفرمایند تا دیگر محتاج بتکرار نشوم .

اول جواب فرمایش ایشان را میدهم تا برسم باولش . یکی اینکه در آخر اظهار فرمودند که نظریاً اینکه دهقانی در مجلس وکیل ندارند هیچوقت طرفدار هم ندارند بنده بین دهقانی و زارعین بین مالک خورده مالک هیچ تفاوتی نمی گذارم و آقایان را هم وکیل عموم میدانم و اما راجع بتفاوت بنده هیچ دلیل زیادی نمیخواهم اما سر بکنم جزمین فرمایش خودتان که در طی این مسئله فرمودید و یاد داشت کردم . فرمودید بیشتر مملکتی خورده مالک است و عقیده جنابعالی این است که قسمت بیشتر مملکت مالیات ندهند .

در صورتیکه اگر آنها از امنیت واز تمام چیزهای جنوب مملکتی استفاده میکنند چه عیب دارد که مالیات هم بدهند آن کسی که هزار تومان عایدات دارد بقدر هزار تومان خرج دارد و متعملاً تحمیلات میشود آن کسی هم که پنجاه تومان عایدات دارد بان اندازه پنجاه تومان باید متحمل شود.

پس بنده خودم وکیل دهقانی هستم و حاضرمدل بدارم که هر کدام عایدات وارند باید بان اندازه عایداتشان مالیات بدهند .

مالیات تبعیض بردار نیست مربوط به مالیات بر عایدات هم نیست آن را هم انشاء الله وقتی بمجلس آمد و از کمیسیون آوردیم دلالتش را در آنجا عرض خواهم کرد .

اما راجع بقسمت تفاوت زراعت که فرمودند یکی خوب رعیتی میکنند و یکی بد رعیتی میکنند خوب است دولت از آن کسی که خوب رعیتی می کند یک چیزی کمتر بگیرد و از آن که بد رعیتی میکنند زیاد تر بگیرد یعنی بعبارة آخری اینطور فرمودید که آنکه عایداتش بیشتر است مالیات کمتر بدهد و آنکه عایداتش کمتر است زیاد تر بدهد و فلسفه اش را هم که فرمودند این بود که یک کسی زحمت میکشد و محصول را بهتر عمل می آورد باید تشویق کرد اما همه جا اینطور نیست و مجلسی را هم که مثل زندان آن محل انتخاب خود حضرتعالی آیداً شیه نیست و اگر تمام رعایای آن تمام شبانه روز خودشان را زحمت بکشند ممکن نیست محصولی که در گرمسیر فارس عمل می آید در سمنان جنابعالی عمل بیاید . اصلاً طر مزجل این است و محتاج نیست در این قانون که ما میترسیم یک تفاوتی قائل بشویم . فکر عملش را هم بکنید . باید

حضرتعالی اینجا مثل زدید و فرمودید در سمنان ما از صد خروار هفتاد و پنج خروار را ارباب میبرد نیست و پنج خروار را رعیت باید یک چیزی را هم در نظر بگیرد اینجا یک از صد خروار هفتاد و پنج خروار را ارباب میبرد تمام مخارج دیگر بعهده ارباب است .

اساساً عایدات مالک که میگوئیم چه چیز است؟ عایدات مالک منهای سهم رعیت و بذکر که حقیقه جزء سرمایه است این دو چیز که موضوع شد باقی عایدات است .

از بذر که نمی شود مالیات گرفت! کمیسیون هم با این عقیده موافق است و راجع بان مسئله صحبت زیادی شد و اختلاف زیادی هم با نماینده وزارت مالیه داشتیم و بالاخره این مسئله حل شد . عایدات مالک گفته میشود منهای سهم رعیت و بندر است بقیه که میماند یک صدی پنج از آن بعنوان مخارج موضوع می شود و از باقی آن عشر دریافت میشود . آن وقت مثل زدید و فرمودید در اصفهان و همدان سی و سه خروار ارباب و بقیه ر رعیت میبرد همدان را که بنده اطلاع ندارم ولی اصفهان اینطور نیست .

اصفهان ممکوس است در غالب جا ها سی و سه خروار رعیت میبرد و در بعضی نقاط هم هست که پنجاه خروار از صد خروار را رعیت میبرد . ولی در هر حال آن جائی را که رعیت زیاد میبرد آنجائی است که بشود جزء سهم رعیت است و آنجا دیگر وزارت مالیه از ارباب بعنوان بذر چیزی موضوع نمی کند و اینکه فرمودند تبعیض میشود تبعیض نمیشود زیر آنجا از سی و سه خروار فقط چیزی که کسر میشود همان صدی پنج است و از بقیه اش عشر گرفته میشود .

ولی آنجائی که زیاد تر میبرد آن وقت از سهم رعیت آن بندر افتاده است و از مالک دیگر خبری بعنوان بذر گرفته نمیشود این در بندر است آنجائی که مالک زیاد میبرد بذر را هم از خود موضوع می کنند آنجا که رعیت زیاد میبرد بذر جزء سهم است و از مالک چیزی از این باب اخذ نمیشود این است که تقسیم در هر جا هر طوری باشد عادلانه خواهد بود .

اینکه فرمودند در مخارج تفاوت نکند داشته اند بین فنات ورود و در لایحه سابق آورده بودند یک تفاوتی گذارده شده بود بلی آن لایحه سابق را که در دوره چهارم آوردند یک تفاوت هائی برای املاک فنات آب ورودی منظور کرده بودند ولی در نتیجه راپورت هائی که وزارت مالیه ارائه و الان هم در کمیسیون موجود است و ممکن است براجعه بفرمایید .

بالاخره وزارت مالیه کمیسیون را قانع کرد که بعنوان مخارج از

وقنات آب بکطور کسر شود این را بایستی بعرض برسائیم که تصور نفرمایید آن یک لایحه معیزی علمی است که امروز از مجلس شورای ملی می گذرد و وزارت مالیه اجازه میدهد اینطور نیست این یک لایحه تعدیل مالیاتی است .

نه یک لایحه علمی و قطعی این یک یک لایحه تعدیل مالیاتی است که مجلس امروز بوزارت مالیه اجازه مید هد و البته در ضمن امتحان و آزمایش که میشود ممکن است نواقص هم داشته باشد که بعرض مجلس برسانند .

رفع شود . یک قسمت هم راجع بمالیات یزد فرمودید که مالیات یزد در نتیجه یک تجاوزاتی نصف مالیات خراسان است این هم بنده عرض میکنم این طور نیست بنده خود اهل آنجاهستم و در آن جا هم عمل کرده ام و عشر مالیات خراسان هم نیست .

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است بعضی دیگر کافی ندانند استند) رئیس - باید رأی گرفته شود بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

چند نفری برخاستند) رئیس تصویب نشد .

اجازت میفرماید بقیه مذاکرات بماند برای فردا)

جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس چند فقره خبر کمیسیون مرخصی هم رسیده قرائت میشود و رأی می گیریم وزیر مالیه - بودجه تصفیه کلی مملکتی از برای سال ۱۳۰۴ است که تقدیم مجلس شورای ملی میکند یک فقره دیگر لایحه قانونی است راجع مساعدتی که دولت یعنی وزارت مالیه با اهالی ساوه خواهد بکند در خصوص آب آنجا و یک فقره لایحه قانونی هم به مجلس شورای ملی از طرف دولت تقدیم میکنم در خصوص ترتیبی که اتخاذ کرده اند برای تسریع بجهودی احوال باوجستان دوقره لایحه مالیاتی هم بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم .

یکی راجع بالصاق تبر با اسناد تجارتنی که تخصیص بمخارج معارفی داده میشود و یکی هم خاطر آقایان متذکر است در سال گذشته در موقع مذاکرات بودجه عایدات نیم عشر اوقات را کنار گذاشتند و تکلیف کرده بودند که وزارت مالیه قانونی برای آن پیشنهاد کند این قانون را حالا پیشنهاد میکنم . (چند فقره راپورت در کمیسیون عرایض و مرخصی بشرح زیر قرائت شد)

آقای میرزا حسین خان اسفندیاری نماینده محترم در ضمن مشروح اظهار داشته اند بواسطه کسالت مزاج و بر حسب تجویب

در وقت عمل وزارت مالیه یک معیزی در تمام بلو کات و دهات و قصبات جزء بجزء بفرستد که ببینند این زره بن را مالک چقدر خاشاک داده و چقدر خرج فلان چیز کرده این چطور مقدور است که مالیه بفهمد یک ملکی را خوب خاشاک یاچه عملی موجب شده که عایدش خوب شده باید شده؟

عایدی اینجا در نتیجه کار کردن بوده یا نبوده. این ممکن نیست عملی شود.

اما یک قسمت راجع بمالیات جنسی فرمودند.

بنده شخصاً عقیده ام با جنابعالی موافق است و خیال میکنم دوات و مجلس هم با جنابعالی موافق باشند اما موقع دارد.

حالا موقمش نیست وقتی که انشاء الله آن لایحه راجع بخلصجات از طرف دولت به مجلس بیشتهدادش اول آت. مثلاً را حل تصفیه کردند و برای دولت خالصه باقی نماند و دولت مالیات جنس اصلان داشت آن وقت ممکن است این مسئله را درست کرد والا برای بودجه مملکتی که دولت در هر سال پیش بینی کند که در سال آتیه چقدر عایدات دارد البته باید مالیات مملکتی نقدی باشد ولی این از موضوع امروز لایحه امروز که برای تعدیل مالیات آورده ایم خارج است و در موقع خودش البته خواهد شد.

اما اینکه راجع بجنس فرمودند . راجع بجنس املاک اربابی نیست . راجع بخلصجات انتقالی است که همیشه وقت وزارت مالیه را اگر حساب کنیم از هر شش ساعتی که کار می کند چهار ساعتش مربوط بان موضوع است و آنرا هم بطوریکه اطلاع داریم لایحه تهیه کرده اند و عنقریب بمجلس خواهد آمد و مخصوصاً هم باید از طرف مجلس همه طور تاً کیه شود که

زودتر این لایحه بیاید و متمایب آن لایحه معیزی املاک اربابی بگذرد و رفع این اشکالات بشود والا عمده شکایات مردم مربوط بان است.

اما راجع به مسئله مهمی که راجع بسهم مالک فرمودند این را در خارج آقایان اعتراض کردند و بطور خصوصی جواب عرض کردم حالا که این موضوع به مجلس آمده بنده این مسئله را عرض خواهیم کرد شوقش را هم عرض خواهیم کرد آنوقت بسته بنظر مجلس است اولاً یک قانونی که مجلس شورای ملی می نویسد و در مملکتی که یک قانونی می نویسند تصور نفرمایید که در سراسرش بتفیع تمام مردم تمام شود.

یعنی این قانونی که امروز برای تبدیل املاک اربابی می نویسم ممکن نیست ار کرمان تا بندر یهولی تا تمام نقاط ایران یک جور یک موافقت باشد مساماً در یک جائی یک تفاوت هائی برای یک اشخاصی حاصل خواهد شد اما نه این اندازه تفاوتی که

طیب مجبور به داوا میباشند ده روز مرخصی
خواسته بودند کمیسیون عذرشان را موجه
داشته از تاریخ هشتم اردی بهشت ماه تاده
روز مرخصی آقای اسفندیاری تصویب
مینماید.

آقای میرزا حسین خان اسفندیاری بنده
اصلا اجازه نخواست بودم

رئیس - اجازه نخواست اند!

آقای سهراب زاده نماینده محترم به
واسطه عارضه تب و نوبه برای معالجه از
مجلس شورای ملی مدت بیست روز از
پنجم خرداد ماه اجازه مرخصی خواسته
بودند کمیسیون عذر ایشان را موجه
داشته تصویب می نماید.

آقای سهراب زاده نماینده محترم
بواسطه عارضه کسالت از تاریخ هفدهم
اردی بهشت ماه تا شش روز اجازه مرخصی
خواسته اند کمیسیون اجازه ایشان را
تصویب مینماید.

رئیس - رای میگیریم آقایانی که
مرخصی بیست روزه آقای سهراب زاده
را يك فقره از هفدهم اردی بهشت و يك
فقره بیست از پنجم خرداد تصویب میکنند
قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

آقای کی استوان نماینده محترم
از بندر پهلوی ده روز تمدید مرخصی تقاضا
کرده بودند نظر باینکه قبلا اجازه دو ماهه
داشته اند و یکماه بیشتر از مرخصی استفاده نموده
بودند و یکماه در مدت مرخصی رادر مجلس
حضور داشته اند

لذا کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته
تمدید مرخصی ایشان را تصویب مینماید
رئیس - آقایانیکه مرخصی ده روزه
آقای کی استوان را تصویب می کنند قیام
فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد

آقای مشیر منظم نماینده محترم برای
تنظیم امور شخصی مدت یکماه از مجلس
شورای ملی تقاضای اجازه مرخصی نمودند
که تاریخ روز حرکت محسوب شود
کمیسیون تقاضای یکماهه ایشان را بی
مورد ندانسته تصویب مینماید.

رئیس - این آراء صحیح نبوده است
چون عده کافی نبود میماند برای فردا.
(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم
شد)

رئیس مجلس شورای ملی

حسین پیرنیا

م شهاب

منشی

دکتر احتشام

د

طباطبائی

د